

## رابطه ابعاد فرزندپروری ادراک شده با سبک‌های مقابله‌ای و مقایسه آن بین دختران نوجوان تیزهوش و عادی

شهلا پاکدامن<sup>۱</sup>

زهرا محمدی فرد<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف پژوهش حاضر، مطالعه رابطه ابعاد سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های مقابله‌ای بود. از آنجا که هوش به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های شناختی می‌تواند استفاده از سبک‌های مختلف را توجیه کند، به تفاوت این رابطه در نوجوانان دختر تیزهوش و عادی نیز پرداخته شد. **روش:** این پژوهش از نوع همبستگی و طرح پژوهشی از نوع پس‌رویدادی بود. جامعه پژوهش شامل دختران (۱۴-۱۹ سال) شهر تهران بود. با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تعداد ۱۳۷ نفر از بین دانش‌آموزان دختر تیزهوش و عادی شهر تهران انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و سبک‌های مقابله‌ای پاسخ گفتند. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی، رگرسیون گام‌به‌گام و آزمون Z استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد در کل نمونه، سبک مقابله‌ای اجتناب-گریز با بعد محبت از سبک‌های فرزندپروری رابطه منفی دارد. در دانش‌آموزان تیزهوش بعد کنترل از سبک‌های فرزندپروری ادراک شده به‌صورت معکوس پیش‌بینی کننده‌ی سبک مقابله‌ای اجتناب-گریز است و در دانش‌آموزان عادی همین بعد توانست به‌طور معکوس استفاده از سبک مقابله‌ای طلب حمایت اجتماعی را پیش‌بینی کند. به‌علاوه در دانش‌آموزان تیزهوش، بعد محبت رابطه مستقیمی با سبک مقابله طلب حمایت اجتماعی داشت که آزمون Z نشان داد این رابطه در دو گروه عادی و تیزهوش تفاوت معناداری دارد. **نتیجه‌گیری:** این نتایج حاکی از تأثیر سبک‌های فرزندپروری در سبک‌های مقابله‌ای فرزندان بود. این تأثیر می‌تواند با توجه به ویژگی‌های فرزندان مثل توانایی شناختی متفاوت باشد.

**کلیدواژه‌ها:** سبک‌های فرزندپروری ادراک شده، سبک‌های مقابله‌ای، نوجوانان تیزهوش

### مقدمه:

می‌گویند (کرسینی، ۲۰۰۲). از نظر لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) سبک‌های مقابله‌ای به تلاش‌های شناختی و رفتاری برای جلوگیری، مدیریت و کاهش تنیدگی اشاره می‌کند. لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) بین مقابله مسئله‌مدار و هیجان‌مدار تمایز قائل شده‌اند. اندر و پارکر (۱۹۹۰) سه نوع سبک مقابله‌ای را مطرح کردند که عبارت‌اند از: ۱) سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار ۲) سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار ۳) سبک مقابله‌ای اجتنابی. در سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار فرد بر مسئله متمرکز می‌شود و سعی در حل آن دارد. در این سبک فرد به جمع‌آوری اطلاعات مربوط به حادثه فشارزا می‌پردازد، درباره آن فکر می‌کند، منابعی را که از آن برخوردار است، ارزیابی می‌کند و برای استفاده از منابع در دسترس خود طرح و برنامه‌ای آماده می‌کند مقابله هیجان‌مدار بر کنترل هیجانات و واکنش‌های عاطفی تأکید می‌نماید. افراد در این سبک مقابله، هیجانی برخورد می‌کنند و با گریه کردن، عصبانی شدن و فریاد زدن با فشار روانی مقابله می‌کنند. سبک مقابله‌ای اجتنابی

موضوع تیزهوشان و بهره‌برداری از سرمایه انسانی آن‌ها موضوعی پیچیده است. به‌منظور افزایش بازده تیزهوشان سبک‌های مقابله‌ای آن‌ها و عوامل تأثیرگذار در آن بسیار حائز اهمیت است. در برخی پژوهش‌ها (نیپهارت، ۱۹۹۹؛ پیلارینوس و سولومون، ۲۰۱۵؛ بوت-دارف، روسنهام، پاتریاناکاس، استینبرگ و چین، ۲۰۱۶) عامل هوش نقش تعدیل‌کننده‌ی پیامدهای آسیب‌رسان را بازی می‌کند که پژوهش‌های بیشتری نیاز است تا عوامل مؤثر در توسعه عاطفی این گروه را نشان دهد. ازجمله این عوامل سبک‌های مقابله‌ای و سبک فرزندپروری ادراک شده در تیزهوشان هست. نوجوانان در دوره‌های مختلف زندگی و تحصیل خود با مسائل تنش‌زای گوناگونی مواجه هستند که با استفاده از سبک‌های مقابله‌ای مختلف می‌توانند آرامش روانی خود را به‌دست بیاورند. به مجموعه‌ای از اعمال و رهیافت‌های شناختی که افراد در مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا استفاده می‌کنند، سبک‌های مقابله‌ای<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استادیار دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه شهید بهشتی، تهران

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۵/۵/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۶/۲۰

<sup>۳</sup> Coping style

با فقدان کنترل والدین و پاسخ‌دهی به خواسته‌های کودک مشخص می‌شود. این شیوه فرزندپروری با بزهکاری و پرخاشگری فرزندان، به دلیل فقدان نظارت والدین و نیز با سطوح پایین افسردگی، ارتباط دارد (لیپس، لوی، گییسون، هالی دی، موریس و همکاران، ۲۰۱۲). رفتار والدین در امتداد بعد محبت- طرد، از پاسخ مثبت به رفتار خوداتکایی، تشویق زیاد و عدم استفاده از تنبیه تا بی‌تفاوتی محض، کنار گذاشتن کودک، عدم پاسخ مثبت و استفاده از تنبیه متغیر است و در امتداد محور آزادی، رفتار والدین از استقلال بخشی نسبتاً کامل به کودک تا کنترل کامل بر فعالیت‌های او در نوسان است (عظیمی، ۱۳۷۸). بر اساس نتایج پژوهش نیجهوف و روتگر (۲۰۰۷) بین کاربرد سبک‌های مقابله‌ای حل مسئله و طلب حمایت اجتماعی با سبک فرزندپروری مقتدرانه و سهل‌گیر که هر دوی آن‌ها در بعد محبت بالا هستند رابطه وجود دارد و فرزندان این والدین در شرایط دوری از خانواده و هنگام دلتنگی بیشتر از حل مسئله و طلب حمایت اجتماعی بهره می‌برند تا افراد با والدین سهل‌انگار و مستبد که هر دو در بعد محبت پایین هستند. نوجوانانی که والدین آن‌ها بیشتر حمایت اجتماعی فراهم می‌کنند در مقابل رویدادهای استرس‌زا مؤثرتر بوده و از سبک‌های مقابله‌ای فعالانه‌تری بهره می‌جویند نیجهوف و روتگر (۲۰۰۷) نشان دادند، دانش‌آموزانی که دارای والدین سهل‌انگار و مستبد بودند بیشتر از سبک مقابله‌ای اجتنابی استفاده می‌کردند. در بعد کنترل نتایج پژوهش آفرونتی و وودراف بوردن (۲۰۱۵) نشان داده شد والدینی که کنترل و کمال‌گرایی شدیدی را بر فرزندان خود اعمال می‌کردند احتمال بروز اختلالات اضطرابی در فرزندانشان بیشتر بود. کرنل و گروسبرگ (۱۹۸۷) به بررسی ۱۰ ویژگی خانوادگی بر اساس مقیاس موس و موس (۱۹۸۱) برای تعیین رابطه آن‌ها با سازگاری نوجوانان تیزهوش و عادی پرداختند. این ویژگی‌ها شامل انسجام، بیانگری، تعارض، استقلال، پیشرفت مدار، منطقی- فرهنگی مدار، پرتکاپو- تفریح مدار، اخلاقی- مذهبی مدار، سازماندهی و کنترل بودند. والدین دارای کودکان تیزهوش نمرات بالاتر در انسجام، بیانگری، منطقی- فرهنگی مدار، پرتکاپو- تفریح مداری و به‌صورت معناداری نمرات کمتری در کنترل و جهت‌گیری موفقیت به دست آوردند. این ویژگی‌ها منعکس‌کننده سبک فرزندپروری سهل‌گیر می‌باشند. ویژگی‌های انسجام و بیانگری در خانواده با مشکلات رفتاری کمتر، اضطراب کمتر، عزت‌نفس بالا و دستاوردهای تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش همبستگی داشت. به نظر می‌رسد سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیر برخلاف سبک فرزندپروری مقتدرانه در ایجاد ناسازگاری‌های آتی در دانش‌آموزان عادی مؤثر هستند (پلارینوس و سولومون، ۲۰۱۵). از آنجایی که افراد تیزهوش از نظر ذهنی و تحولی با افراد عادی متفاوت می‌باشند ممکن است

پیش‌بینی‌کننده افسردگی و ناامیدی در دختران و پسران نوجوان است (رودریگز نارانجو، ۲۰۱۶). مطالعات اخیر نشان می‌دهند که سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار اثرات استرس ادراک‌شده را بر انگیزه دانش‌آموزان که به‌طور مثبت با نمرات تحصیلی آن‌ها رابطه دارد تعدیل می‌نماید همچنین مقابله تکلیف محور<sup>۱</sup> نیز رابطه مثبتی با نمرات دانش‌آموزان دارد (پری و منک، ۲۰۰۰؛ ساکلوفسکی، استین، ماستوراس، بیتون و اسبورن، ۲۰۱۲). از جمله عوامل مؤثر بر نحوه سازگاری نوجوانان نحوه فرزندپروری والدین است. رفتارهای والدگری مانند ابراز محبت و اعمال کنترل بر سازگاری نوجوانان مؤثر است (رای، فریک، تورنتون، وال، استینبرگ کافمن، ۲۰۱۶؛ استینبرگ، ۲۰۱۶). ثبات عاطفی می‌تواند بر رابطه والد - فرزند مؤثر واقع شود (نلسون، ابراین، بلکسون، کالینز و کینه، ۲۰۰۹)، به‌ویژه در دختران که در مطالعه رودریگز نارانجو و کانو (۲۰۱۶) نشان داده شد که استرس روزانه بیشتری را نسبت به پسران ادراک می‌کنند. در صورت اعمال کنترل و توقع زیاد و کمبود محبت در شیوه تربیتی والدین می‌توان اختلالات رفتاری و ناسازگاری را در آینده مشاهده نمود (کیم کوهن، کاسپی، موفیت، هرینگتون، مایلن و پولتون، ۲۰۰۳؛ به نقل از فینزی دوتان، بیلو و گلوبچی، ۲۰۱۱). گرمی و محبت والدین منبعی است که به کودکان کمک می‌کند در محیط خود جستجو کنند و از این رهگذر به احساس ایمنی، اعتماد و جهت‌گیری مثبت نسبت به دیگران دست یابند. پذیرش از طرف والدین شرط لازم برای ایجاد رفتارهایی خاص مانند حرمت خود و اعتمادبه‌نفس بالاست. عدم پذیرش از سوی والدین می‌تواند بر کاهش عزت‌نفس تأثیر داشته باشد و از این طریق موجب افزایش خلق افسرده و دیگر آسیب‌های روان‌شناختی در دوران کودکی و نوجوانی شود (وولف، همپل و مایلز، ۲۰۰۳).

بامریند سبک فرزندپروری را به‌عنوان کارکرد کنترلی والدین معرفی می‌کند که به سبک مستبدانه<sup>۲</sup>، مقتدرانه<sup>۳</sup> و سهل‌گیرانه<sup>۴</sup> تقسیم می‌گردد (بامریند، ۱۹۹۱). سبک فرزندپروری مستبدانه، با کنترل سخت، سطح بالای محدودیت، انضباط ناپایدار و با خشونت، میزان پایین حمایت هیجانی و گرمی مشخص می‌گردد. بر طبق پژوهش مک‌گرو وولف (۲۰۱۶) سبک مستبدانه و کنترل بالا با افکار و رفتارهای عصبی در دختران نوجوان رابطه مثبت دارد و راهبردهای مقابله‌ای ناسازگارانه این رابطه را میانجی‌گری می‌کند. از سوی دیگر سبک فرزندپروری مقتدرانه، با ترکیبی از کنترل بالا، حمایت هیجانی بیشتر، سطح مناسب استقلال و روابط دوسویه بین والدین و کودک، شناسایی می‌شود. بر پایه پژوهش‌های انجام‌شده این سبک فرزندپروری با پیامدهای تحولی مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بیشتر، اتکا به خود بالاتر، خود کنترل‌گری بیشتر، رفتارهای جستجوگرانه رابطه دارد. سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه

<sup>3</sup>. authoritative

<sup>4</sup>. indulgent

<sup>1</sup>. Task oriented

<sup>2</sup>. authoritarian

برابر ۰ و حداکثر آن برابر ۱۸۰ می‌باشد. در این آزمون، نمره هر زیر مقیاس به‌طور جداگانه حساب می‌شود و نمره کل وجود ندارد.

۱- جستجوی حمایت اجتماعی: تلاش‌هایی را توصیف می‌کند که در جستجوی حمایت اطلاعاتی و هیجانی هستند (مواد ۸-۱۸-۲۲-۳۱-۴۲-۴۵).

۲- مسئولیت‌پذیری: پذیرش نقش خویشتن در مشکل که همواره با تلاش در جهت قرار دادن هر چیز در جای درست همراه است (مواد ۹-۲۵-۲۹-۵۱).

۳- حل مدبرانه مسئله: توصیف‌کننده تلاش‌های اندیشمندانه مشکل‌مدار جهت تغییر موقعیت است که با روی‌آوری تحلیل به حل مسئله همراه است (مواد ۱-۲۶-۳۹-۴۸-۴۹-۵۲).

۴- ارزیابی مجدد مثبت: تلاش‌هایی است که با تمرکز بر رشد شخصی معنای مثبت می‌آفریند. این مقیاس معنایی مذهبی نیز دارد (مواد ۲۰-۲۳-۳۰-۳۶-۳۸-۵۶-۶۰).

۵- مقابله‌ای رویارویی‌گر: توصیف‌کننده تلاش‌های پرخاشگرانه جهت تغییر موقعیت بوده و درجاتی از خصومت و خطر طلبی را ارائه می‌دهد (مواد ۶-۷-۱۷-۲۸-۳۴-۴۶).

۶- دوری‌گزینی: تلاش‌های شناختی برای جدار کردن خویش و به حداقل رسانیدن اهمیت موقعیت است (مواد ۱۲-۱۳-۱۵-۲۱-۴۱-۴۴).

۷- خویشتن‌داری (خودمهارگری): تلاش‌هایی را توصیف می‌کند که احساسات و اعمال فرد را تنظیم می‌کنند (مواد ۱۰-۱۴-۳۵-۴۳-۵۴-۶۲-۶۳).

۸- گریز-اجتناب: توصیف‌کننده تفکر آرزویی و تلاش‌های رفتاری جهت گریز یا اجتناب از مشکل است (مواد ۱۱-۱۶-۳۳-۴۰-۴۷-۵۰-۵۸-۵۹).

مواد ۲-۳-۴-۵-۱۹-۲۴-۲۷-۳۲-۳۷-۵۳-۵۵-۵۷-۶۱-۶۴-۶۵-۶۶ اضافی بوده و در زمره هیچ‌یک از سبک‌های مقابله‌ای هشت‌گانه قرار ندارد.

اعتبار پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای از طریق آزمایش ثبات درونی اندازه‌های مقابله‌ای که به‌وسیله ضریب آلفای کرونباخ به‌دست می‌آید، ارزیابی شده است. برآورد ثبات درونی اندازه‌های مقابله‌ای عموماً در کران پائینی دامنه قابل قبول رایج قرار می‌گیرد لازاروس و فولکمن (۱۹۸۸) ثبات درونی ۰/۷۹ تا ۰/۶۶ (لازاروس، ۱۹۹۳) را برای هر یک از روش‌های مقابله‌ای گزارش کرده‌اند. زین‌العابدینی (۱۳۸۳) و هاشم زاده (۱۳۸۵) اعتبار درونی این آزمون‌ها را هر کدام به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۸۹ به‌دست آوردند. در این پژوهش نیز اعتبار درونی از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به‌دست آمد.

انواع مختلف سبک‌های فرزندپروری روی آن‌ها اثر متفاوت و حتی مناسب‌تری داشته باشد. همچنین با توجه به آنچه گفته شد سبک‌های فرزندپروری و ابعاد آن‌ها بر سازگاری و نحوه مقابله افراد مؤثر هستند که سبک‌های مقابله‌ای تعدیل‌کننده این رابطه‌اند اما به‌طور مشخص در تحقیقات به نوع سبک‌های مقابله‌ای مورد استفاده در نوجوانان تیزهوش و عادی اشاره نشده است. به همین خاطر هدف پژوهش حاضر مطالعه سبک‌های مقابله‌ای نوجوانان تیزهوش و عادی و رابطه آن با ابعاد سبک‌های فرزندپروری در نوجوانان تیزهوش و عادی است؛

بنابراین اهداف پژوهش حاضر به‌صورت ذیل است. تعیین رابطه ابعاد سبک‌های فرزندپروری (محبت و کنترل) و سبک‌های مقابله‌ای در دانش‌آموزان تیزهوش.

تعیین رابطه ابعاد سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های مقابله‌ای در دانش‌آموزان عادی.

تعیین رابطه ابعاد سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های مقابله‌ای بین دو گروه تیزهوش و عادی.

### روش پژوهش:

این پژوهش از نوع توصیفی است. طرح پژوهشی از نوع پس-رویدادی (علی-مقایسه‌ای<sup>۱</sup>) می‌باشد. جامعه پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستانی (۱۴-۱۹ سال) تیزهوش و عادی شهر تهران تشکیل می‌دهند. برآورد حجم نمونه بر اساس جامعه نامتناهی برای جامعه تیزهوش و عادی به کمک فرمول کوکران ۱۹۲ نفر برآورد شد (رستمی نژاد، مزینی، دلاور، نوروزی، ۱۳۹۲). از ۱۲۰ پرسشنامه توزیع شده ۱۰۳ عدد پرسشنامه مربوط به دانش-آموزان عادی و ۳۴ عدد مربوط به دانش‌آموزان تیزهوش جمع‌آوری شد.

روش نمونه‌گیری با روش خوشه‌ای تصادفی بود. سپس پرسشنامه‌های سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های مقابله‌ای در اختیار تمام دانش‌آموزان کلاس قرار گرفت.

### ابزارهای پژوهش:

۱- پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای لازاروس-فولکمن (CWQ): پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای توسط لازاروس و فولکمن (۱۹۸۵) تهیه شده و شامل ۶۶ ماده می‌باشد. این ماده‌ها هشت روش مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار را اندازه‌گیری می‌کند که به‌صورت ذیل هستند. پاسخ‌ها در این مقیاس براساس مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت هرگز (۰)، گاهی (۱)، اغلب (۲)، همیشه (۳) محاسبه می‌شوند. حداقل نمره کسب‌شده در این آزمون ۶۰ سؤالی

<sup>۱</sup>. Ex post facto research

میانگین هریک از ابعاد محبت و کنترل به‌طور جداگانه محاسبه شده و با توجه به آن چهار سبک فرزندپروری با مشخصات، مقتدرانه (کنترل زیاد- محبت زیاد)، سهل‌گیر (کنترل کم- محبت زیاد)، مستبدانه (کنترل زیاد- محبت کم) و مسامحه‌کار (کنترل کم- محبت کم) به‌دست می‌آید. پرسش‌های ۱ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۲۵ مربوط به بعد محبت است که تا سؤال ۱۴ به‌طور مستقیم نمره‌گذاری می‌شود (۱= همیشه، ۲= تقریباً همیشه، ۳= گاهی، ۴= تقریباً هیچ‌گاه، ۵= هیچ‌گاه). از ۱۵ تا ۴۲ به‌طور معکوس نمره‌گذاری شده‌اند. حداکثر نمره آزمودنی برای این بعد ۲۱۰ می‌باشد. سوالات ۴۳ تا ۷۷ مربوط به بعد محبت- طرد می‌شود که ۴۳ تا ۶۰ معکوس نمره‌گذاری شده و ۶۱-۷۷ به‌طور مستقیم و مانند سوالات ۱ تا ۱۴ مورد نمره‌گذاری قرار گرفته است. حداکثر نمره برای هر آزمودنی ۱۷۵ است.

#### یافته‌ها:

ابتدا جدول دموگرافیک مربوط به نمونه پژوهش نشان داده شده است.

۲- مقیاس شیوه‌های فرزندپروری (PSQ<sup>۱</sup>): این پرسشنامه توسط نقاشان و براساس کارهای شفر (۱۹۶۵)، به‌نقل از حیدری، دهقانی و خداپناهی، (۱۳۸۸) تهیه شد و دارای ۷۷ ماده است، این پرسشنامه ابعاد کنترل و محبت را در روابط خانوادگی و در روابط والد و فرزند و از زاویه نگرش آزمودنی‌ها موردسنجش قرار می‌دهد. ضریب پایایی پرسشنامه توسط سازنده آن ۰/۷۸ گزارش شده است (صادقی، مظاهری و حیدری، ۱۳۸۴). در پژوهش حیدری و همکاران (۱۳۸۸) همسانی درونی پرسشنامه بر روی نمونه‌های دانشجویی ۰/۸۴ برای بعد کنترل و ۰/۹۶ برای بعد محبت به‌دست آمده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای بعد کنترل ۰/۷۹ و برای بعد محبت ۰/۹۶ به‌دست آمد. ماده‌های پرسشنامه براساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری شده‌اند. در بعد محبت افرادی که نمره آن‌ها بالاتر از میانگین است افرادی هستند که به نظر آن‌ها والدینشان محبت زیادی به آن‌ها می‌کرده‌اند و در بعد کنترل افرادی که نمره آن‌ها بالاتر از میانگین است افرادی هستند که به نظر آنان از والدینشان کنترل زیادی را دریافت کرده‌اند؛ بنابراین برای تعیین چهار سبک فرزندپروری ابتدا

### جدول ۱: مشخصات دموگرافیک

جنس	میانگین سن	تیزهوش	عادی	مقطع تحصیلی
دختر	۱۶٫۵	۳۴	۱۰۳	دوم دبیرستان

شاخص توصیفی زیر مقیاس‌های سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و سبک‌های مقابله‌ای در جدول شماره ۲ آورده شده است.

### جدول ۲: شاخص‌های توصیفی زیرمقیاس‌های سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و سبک‌های مقابله‌ای

متغیرها	تیزهوش		عادی		کل		
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	
سن	۱۵/۸۸	۱/۰۴	۱۶/۵۳	۱/۱۷	۱۶/۳۶	۱/۱۷	
	۱۹/۱	۰/۷۳	۱۸/۰۸	۱/۷۴	۱۸/۲۷	۲/۱	
کنترل	۱۲۵/۷۸	۱۵/۱۲	۱۲۹/۳۲	۲۱/۵۱	۱۲۸/۴۷	۲۰/۱۷	
	۱۳۹/۵۳	۱۷/۷۷	۱۳۲/۲۶	۲۹/۶۶	۱۳۴/۳۶	۲۷/۳۳	
سبک‌های مقابله‌ای	مقابله مستقیم	۱۳/۰۰	۲/۷۹	۱۳/۵۲	۳/۸۳	۲/۷۵	
	فاصله گرفتن	۱۱/۸۵	۲/۵۸	۱۳/۳۵	۳/۰۲	۳	
	خودکنترلی	۱۷/۶۶	۳/۳۰	۱۸/۱۳	۲/۷۳	۳/۲۷	
	حمایت اجتماعی	۱۴/۵۵	۴/۰۵	۱۴/۵۱	۳/۲۷	۳/۸۳	
	پذیرش مسئولیت	۹/۸۵	۲/۲۷	۱۰/۶۷	۳/۷۸	۱۰/۴۶	۲/۳۱
	گریز- اجتناب	۱۷/۹۴	۳/۹۵	۱۷/۵۷	۴/۲۴	۷۲/۶۶	۴/۱۵

<sup>۱</sup>. Parenting style questionnaire

حل مسئله	۱۳/۲۴	۲/۲۰	۱۴/۱۴	۲/۷۴	۱۴	۲/۶۴
ارزیابی مجدد	۱۸/۷۰	۳/۳۹	۱۸/۸۰	۲/۷۳	۱۸/۷۷	۳/۷۱

در پژوهش حاضر برای تعیین رابطه سبک‌های مقابله‌ای و ابعاد چهار نوع سبک فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه، سهل گیر و مسامحه‌کار از روش آماری رگرسیون گام‌به‌گام و برای مقایسه در دو گروه تیزهوش و عادی از آزمون Z استفاده شد. در ادامه به بررسی همبستگی‌ها به تفکیک گروه تیزهوش و عادی پرداخته شده است.

در بعد کنترل و محبت از سبک‌های فرزندپروری پراکندگی نمرات زیاد است و نیز در بین سبک‌های مقابله‌ای سبک گریز - اجتناب دارای پراکندگی و انحراف استاندارد بیشتری می‌باشد که می‌تواند بر میزان همبستگی مؤثر واقع گردند. پراکندگی معدل در دانش‌آموزان عادی بیشتر از افراد تیزهوش می‌باشد در که البته تعداد دانش‌آموزان عادی نیز بیشتر از تیزهوشان می‌باشد که ممکن است یکی از عوامل دخیل در افزایش پراکندگی باشد.

### جدول ۳. ضرایب همبستگی سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده با ابعاد سبک‌های مقابله‌ای کل و به تفکیک تیزهوش و عادی

ابعاد سبک‌های مقابله‌ای	ضرایب همبستگی کل		ضرایب همبستگی تیزهوش		ضرایب همبستگی عادی	
	محبت	کنترل	محبت	کنترل	محبت	کنترل
مقابله مستقیم	-۰/۱۶	-۰/۰۷	-۰/۱۴	-۰/۱۴	-۰/۱۴	-۰/۱
فاصله گرفتن	-۰/۰۴	-۰/۰۱	-۰/۰۴	-۰/۰۴	-۰/۰۴	-۰/۱۴
خودکنترلی	۰/۰۸	-۰/۰۰۴	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	-۰/۰۵
طلب حمایت اجتماعی	۰/۰۸	-۰/۰۹	۰/۴*	-۰/۲	۰/۱۵	-۰/۲۵*
پذیرش مسئولیت	-۰/۰۲	۰/۰۹	-۰/۰۱	۰/۳۳	-۰/۰۲	۰/۰۹
گریز-اجتناب	-۰/۲۶*	۰/۰۱	-۰/۵۶*	۰/۵۵*	-۰/۲۶*	۰/۰۱
حل مسئله برنامه‌ریزی‌شده	۰/۱۴	۰/۰۷	۰/۱۶	-۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۰۷
ارزیابی مجدد مثبت	۰/۰۶	-۰/۰۲	۰/۰۳	-۰/۱۷	۰/۰۶	-۰/۰۲

گروه تیزهوش و عادی معکوس معنادار بود (به ترتیب:  $I = -0/56$  و  $I = 0/55$ ) اما رابطه سبک مقابله‌ای گریز اجتناب با بعد کنترل در گروه تیزهوش مستقیم و معنادار بود ( $I = 0/55$ ). در حالی که این رابطه در گروه افراد عادی معنادار نیست. به منظور مقایسه این دو ضریب همبستگی پس از تبدیل آن‌ها به نمره  $ZI$  از آزمون  $Z$  استفاده گردید که نشان داد تفاوت آن‌ها معنادار نیست ( $Z = 1/67$ ) برای بعد محبت و ( $Z = 1/55$ ).

از آنجاکه ضریب همبستگی سبک‌های مقابله‌ای با ابعاد دوگانه سبک‌های فرزندپروری برای گروه‌های تیزهوش و عادی متفاوت بود، برای بررسی سهم هر یک از ابعاد سبک‌های فرزندپروری در سبک‌های مقابله‌ای طلب حمایت اجتماعی و گریز اجتناب چند تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام محاسبه گردید که نتایج این تحلیل‌ها در جدول ۴ ارائه شده است.

در افراد تیزهوش رابطه طلب حمایت اجتماعی و بعد محبت مستقیم و معنادار است ( $I = 0/4$ ) اما این رابطه در بین افراد عادی معنادار نیست ( $I = 0/15$ ). به منظور مقایسه این دو ضریب همبستگی پس از تبدیل آن‌ها به نمره  $ZI$  از آزمون  $Z$  استفاده گردید. نتیجه این آزمون نشان داد تفاوت آن‌ها معنادار می‌باشد ( $Z = 1/99$ ) برای بعد محبت). از طرفی رابطه سبک مقابله‌ای حمایت اجتماعی با بعد کنترل از سبک فرزندپروری در بین افراد عادی رابطه معکوس معناداری وجود دارد ( $Z = -0/25$ ). اما این رابطه برای افراد تیزهوش معنادار نیست ( $I = 0/2$ ). به منظور مقایسه این دو ضریب همبستگی پس از تبدیل آن‌ها به نمره  $ZI$  از آزمون  $Z$  استفاده گردید که نشان داد تفاوت آن‌ها معنادار می‌باشد ( $Z = 2/33$ ).

همچنین سبک مقابله‌ای گریز-اجتناب در کل نمونه رابطه معکوسی با بعد محبت نشان داد ( $I = -0/26$ ). این رابطه در هر دو

#### جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای پیش‌بینی سبک مقابله‌ای طلب حمایت اجتماعی و گریز-اجتناب از روی ابعاد فرزندپروری در گروه تیزهوش

Beta	B	R <sup>2</sup>	R	Sig.	F	مدل	اندازه وابسته (ارزش)
۰/۳۹	۰/۰۹	۰/۱۶	۰/۴	۰/۰۲	۵/۶۸	محبت	طلب حمایت اجتماعی
۰/۵۵	۰/۱۵	۰/۳۱	۰/۵۵	۰/۰۰۱	۱۳/۳۶	کنترل	گریز-اجتناب

#### جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای پیش‌بینی سبک مقابله‌ای طلب حمایت اجتماعی و گریز-اجتناب از روی ابعاد فرزندپروری در گروه عادی

Beta	B	R <sup>2</sup>	R	Sig.	F	مدل	اندازه وابسته (ارزش)
۰/۲۵	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۲۵	۰/۰۱۵	۶/۱	کنترل	طلب حمایت اجتماعی
-۰/۲۲	-۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۲۲	۰/۰۲	۵/۲۱	محبت	گریز-اجتناب

می‌رسد تیزهوشان نسبت به بعد کنترل حساسیت کمتر و نسبت به وجود فضای گرم و محبت‌آمیز و طرد شدن حساس‌تر هستند. طلب حمایت اجتماعی به جستجوی کمک فراگیر و ملموس از دوستان و خانواده اشاره می‌کند. جهت‌گیری منابع حمایتی به سمت حل مسئله می‌باشد. برای مثال مشورت کردن یکی از مصادیق حمایت اجتماعی و راهکار سازگارانه است (گودرزی، ۱۳۹۱). این یافته همسو است با نتایج پیلارینوس و سولومون (۲۰۱۵)، گرمی و محبت والدین منبعی است که به کودکان کمک می‌کند در محیط خود جستجو کنند و از این رهگذر به احساس ایمنی، اعتماد و جهت‌گیری مثبت نسبت به دیگران دست یابند. همچنین نتایج پژوهش در راستای پژوهش‌های وانت و کلیتمن (۲۰۰۶)، هیرابایچی (۲۰۰۶)، حیدری و همکاران (۱۳۸۸) که در مورد خودناتوان‌سازی انجام گرفت، بیانگر اهمیت بعد گرمی و محبت خانواده در اثرگذاری کلی در خودناتوان‌سازی است و فرد هنگام مواجهه با رویداد ناگوار یا تنش‌زا و انتظارات بالای والدین بجای مقابله مناسب و فعالانه سعی در اظهار خودناتوان‌سازی می‌نماید. هرچه کنترل و طرد در سبک فرزندپروری افزایش یابد میزان استفاده از سبک‌های مقابله‌ای فعال کاهش می‌یابد (دوزک و دنکو، ۱۹۹۴). فرد با استفاده از سبک‌های تکلیف محور می‌تواند در انجام مقابله مناسب موفق گردد مانند عدم استفاده از سبک مقابله‌ای گریز و اجتناب نکردن از مسئله و رویارویی مناسب با آن به‌عنوان مثال داشتن نمرات تحصیلی بالاتر (ساکلوفسکی و همکاران، ۲۰۱۲). طلب حمایت اجتماعی نیز از سبک‌های مقابله‌ای فعال است که با تغذیه محبت می‌تواند پدیدار شود. در این پژوهش نیز هرچه بعد کنترل بیشتر باشد طلب حمایت اجتماعی و رفتار جستجوی مساعدت از اطرافیان در نوجوانان عادی کاهش می‌یابد. نوجوانان عادی نسبت به بعد کنترل حساس‌تر هستند و هرچه میزان محدودیت‌ها، انضباط ناپایدار با خشونت بیشتر و حمایت روانی کمتر صورت گیرد بعد کنترل تقویت‌یافته و در پی آن به دلیل فقدان

بر اساس جدول شماره ۴ در دانش‌آموزان تیزهوش (بعد کنترل با سبک مقابله‌ای گریز-اجتناب و بعد محبت با طلب حمایت اجتماعی نوجوانان تیزهوش) بعد کنترل ۳۰٪ به کار بردن سبک مقابله‌ای اجتناب-گریز و بعد محبت ۱۶٪ به کار بردن سبک مقابله‌ای مذکور را تبیین و پیش‌بینی می‌نماید. هرچه بعد کنترل فرزندپروری ادراک‌شده افزایش یابد (در دانش‌آموزان تیزهوش)، کاربست اجتناب و گریز بیشتر می‌شود. همچنین هر چه بعد محبت افزایش یابد، فرد کمتر از سبک اجتناب بهره می‌جوید. با توجه به جدول شماره ۵ بعد کنترل از سبک فرزندپروری به‌صورت معکوس پیش‌بینی‌کننده بهره بردن از سبک مقابله‌ای طلب حمایت اجتماعی است. همچنین با افزایش بعد محبت در فرزندپروری ادراک‌شده، سبک مقابله‌ای گریز-اجتناب کم می‌شود. ضریب بعد کنترل در پیش‌بینی طلب حمایت اجتماعی ۰/۲۳ و بعد محبت در پیش‌بینی گریز-اجتناب ۰/۲۵ می‌باشد (در نوجوانان عادی). همان‌طور که در جدول شماره ۴ نشان داده شده است، در دانش‌آموزان تیزهوش هر چه بعد محبت افزایش می‌یابد طلب حمایت اجتماعی نیز در نوجوانان تیزهوش افزایش می‌یابد.

#### بحث و نتیجه‌گیری:

هدف پژوهش تعیین رابطه ابعاد سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های مقابله‌ای و تفاوت این رابطه در نوجوانان دختر تیزهوش و عادی بود. نتایج نشان داد که بعد کنترل و محبت در پیش‌بینی استفاده از سبک‌های مقابله‌ای اجتناب-گریز و طلب حمایت اجتماعی در نوجوانان تیزهوش و نیز عادی مؤثر هستند. براساس نتایج در دانش‌آموزان عادی، طلب حمایت اجتماعی با بعد کنترل رابطه معکوس دارد ( $p=0/05$ ) درحالی‌که در نوجوانان تیزهوش رابطه طلب حمایت اجتماعی با بعد کنترل رابطه معناداری ندارد اما با بعد محبت رابطه مستقیم و معناداری دارد ( $P < 0/05$ ). همچنین این رابطه بین نوجوانان تیزهوش و عادی معنادار است و به‌نظر

حمایت و به دلیل تجربه زندگی با دیگران مهم سخت‌گیر و غیرهمدل نوجوان از طلب حمایت نزدیکان و اطرافیان خود را محروم می‌کند. بنظر می‌رسد مشورت با دیگران به منزله کنترل شدن نوجوان توسط آن‌هاست. در نوجوانان تیزهوش و عادی سبک اجتناب-گریز با بعد محبت ادراک‌شده رابطه منفی معناداری دارد. همچنین در نوجوانان تیزهوش بعد کنترل با ضریب تعیین ۰/۳۰ در پیش‌بینی استفاده از سبک اجتناب-گریز مؤثر است. این رابطه برای نوجوانان عادی معنادار نبود. این یافته هم‌سو است با پژوهش مک‌گرو و ولف (۲۰۱۶) و کنترل زیاد منجر به استفاده از سبک‌های ناسازگارانه می‌گردد. همچنین بین نوجوانان تیزهوش و عادی تفاوت معناداری مشاهده نشد که احتمالاً یکی از دلایل آن تعداد نمونه پژوهش و همکاری کمتر نوجوانان تیزهوش می‌باشد. براساس نتایج پژوهش وولفراد و همکاران (۲۰۰۳) بعد محبت ادراک‌شده با به کار بردن سبک‌های مقابله‌ای فعال رابطه مثبت دارد که نتیجه پژوهش حاضر با نتایج پژوهش وولفراد و همکاران همسو است زیرا صرف‌نظر از تیزهوش و عادی بودن هرچه بعد گرمی و محبت در پاسخ‌ها و رفتارهای والدین کمتر باشد، افراد بیشتر به سمت انفعال یا گریز از شرایط استرس‌زا و تنش‌زا سوق پیدا می‌کنند و استرس و تنش بیشتری را تجربه می‌نمایند و احتمالاً به قدری شرایط را تنش‌زا ادراک می‌نمایند که ترجیح می‌دهند از موقعیت دوری کنند. این یافته هم‌سو است با نیجهوف و روتگر (۲۰۰۷).

همچنین بر اساس پژوهش نوجوانان و جوانان با والدین کم‌توجه، در شرایط استرس‌زا منفعلانه‌تر برخورد می‌کنند (وولفراد و همکاران، ۲۰۰۳). بعد کنترل فرزندپروری ادراک‌شده می‌تواند منجر به اضطراب دوران کودکی گردد (راپی، ۱۹۹۷؛ به نقل از ویکتور، برنات، برن استین و لین، ۲۰۰۷) همچنین والدین این کودکان بیشتر پشتیبان سبک‌های اجتنابی و کمتر مشوق استقلال هستند (دیزا، ۲۰۰۵).

در مجموع با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان گفت که افراد تیزهوش و عادی در نوع سبک مقابله‌ای اجتناب و گریز که از انواع سبک‌های اجتنابی است، نسبت به محبت حساس هستند و گرمی و محبت خانواده منجر به ایجاد فضای امنی برای فرزندان شده و بهتر به فعالیت و به چالش کشیدن مسئله می‌پردازند و از دیگران طلب کمک و حمایت می‌کنند. لازم به ذکر است در دوره نوجوانی افراد بیشتر به سمت همسالان و اجتماع خود روی می‌آورند که این عامل می‌تواند در طلب حمایت اجتماعی تأثیرگذار واقع شود. همچنین نمونه حاضر را نوجوانان دختر تشکیل می‌دهند می‌تواند در نتیجه مؤثر باشد، چرا که کاربرد سبک مقابله‌ای طلب حمایت اجتماعی ممکن است در بین دانش‌آموزان دختر به دلیل داشتن روابط عاطفی قوی‌تر و به‌طور کلی عاطفی‌تر بودن آن‌ها بیشتر به چشم بخورد. با توجه به آنچه گفته شد والدین در ایجاد

#### منابع:

- حیدری، م؛ دهقانی، م؛ خداپناهی، م. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر شیوه فرزندپروری ادراک‌شده و جنس بر خود ناتوانساز. فصلنامه خانواده پژوهی؛ ۱۸(۱): ۱۳۷-۱۲۷.
- رستمی نژاد، م؛ مزینی، ن؛ دلاور، ع؛ نوروزی، د. (۱۳۹۲). بررسی عوامل بازدارنده جنبش نرم‌افزاری در نظام آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی. فصلنامه آموزش مهندسی ایران؛ ۱۵(۵۷): ۱۳۳-۱۴۷.
- رضایی، م. (۱۳۷۵). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران با بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت‌معلم.
- زین‌العابدینی، ز. (۱۳۸۳). رابطه سخت‌روی با شیوه‌های مقابله دانش‌آموزان دختر و پسر بخش کوهک قم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور قم.
- عظیمی، س. (۱۳۷۸). روانشناسی کودک. تهران: انتشارات صفار.
- صادقی، م؛ مظاهری، م؛ حیدری، م. (۱۳۸۴). تصور از خدا در روش‌های تربیت دینی متفاوت. مجله روان‌شناسی؛ ۱۱(۴): ۳۸۰-۳۶۲.

- Affrunti, N. W., & Woodruff-Borden, J. (2015). Parental perfectionism and over control: Examining mechanisms in the development of child anxiety. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 43(3), 527-529. doi:10.1007/s10802-014-9914-5
- Baumrind D. (1991). *The influence of parenting style on adolescent competence and substance use*. *Journal of Early Adolescence*; 11: 56-95.
- Botdorf, M., Rosenbaum, G., Patrianakos, J., Steinberg, L., & Chein, J. (2016). *Adolescent risk-taking is predicted by individual*

- the expression of homesickness*. Journal of Adolescence, 30 (5), 709–720.
- Nelson, J. A., O'Brien, M., Blankson, A. N., Calkins, S. D., & Keane, S. P. (2009). *Family stress and parental responses to children's negative emotions: Tests of the spillover, crossover, and compensatory hypotheses*. Journal of Family Psychology, 23, 671–679.
- Pilarinos, V., & Solomon, C. R. (2015). *Parenting Styles and Adjustment in Gifted Children*. Gifted child quarterly, 61, 87-98
- Ray, J., Frick, P., Thornton, L., Wall, T., Steinberg, L., & Cauffman, E. (2016). *Callous-unemotional traits predict self-reported offending in adolescent boys: The mediating role of delinquent peers and the moderating role of parenting practices*. Developmental Psychology.
- Rodríguez-Naranjo, C., Cano, A. (2016). *Daily stress and coping styles in adolescent hopelessness depression: Moderating effects of gender*. Personality and Individual Differences, 109–114.
- Saklofske, D. H., Austin, E. J., Mastoras, S. M., Beaton, L., & Osborne, S. E. (2012). *Relationships of personality, affect, emotional intelligence and coping with Student stress and academic success: Different patterns of association for stress and success*. Learning and Individual Differences, 22, 251-257.
- Steinberg, L. (2016). *Commentary on the Special Issue on the Adolescent Brain: Redefining adolescence*. Neuroscience and Biobehavioral Reviews, 70, 343-346.
- Struthers, C. W., Perry, R. P., & Menec, V. H. (2000). *An examination of the relationship among academic stress, coping, motivation, and performance in college*. Research in Higher Education, 41, 581-592.
- Victor M. A., Bernat D. H., Bernstein G. A., Lyne A. E. (2007). *Effects of parent and family characteristics on treatment outcome of anxious children*. Journal of Anxiety Disorders, 21:6: 835-848.
- Wolfradt U., Hempel S, Miles. (2003). *Perceived parenting styles, depersonalization, anxiety and coping behaviour in adolescents*. Personality and Individual Differences Volume 34(3), 521–532.
- Want, J., & Kleitman, S. (2006). *Imposter phenomenon and self-handicapping: Links with parenting styles and self-confidence*. Personality and Individual Differences, 40, 961-97.
- differences in cognitive control over emotional, but not non-emotional, response conflict*. Cognition and Emotion. Advance online publication.
- Cornell, D. G., & Grossberg, I. W. (1987). *Family environment and personality adjustment in gifted program children*. Gifted Child Quarterly, 31, 59-64.
- Corsini, R. (2002). *The Dictionary of Psychology*, New York: Brunner- Routlegd.
- Dusek, J.B. & Danko, M. (1994). *Adolescent coping styles and perceptions of parental child rearing*. Journal of Adolescent Research, 9, 412–426.
- Diaz Y. (2005) *Association between parenting and child behavior problems among mothers and children [dissertation]*. University of Maryland.
- Endler, N.S. Parker J.D.A. (1994). *Assessment of multidimensional coping: task, emotion, and avoidance strategies*. Psychological Assessment, 6 pp. 50–60.
- Finzi-Dottan R., Bilu R., Golubchik P. (2011). *Aggression and conduct disorder in former Soviet Union immigrant adolescents: The role of parenting style and ego identity*. Children and Youth Services Review, 33: 6, 918-926 · DOI: 10.1016/j.childyouth.2010.12.008.
- Hirabayashi, K. E. (2005). *The role of parenting style on self handicapping and defensive pessimism in Asian American college students*. Unpublished doctoral dissertation, University of southern California, California.
- Kim-Cohen J, Caspi A, Moffitt T.E, Harrington, H., B.J. Milne, R. Poulton. (2003). *Prior juvenile diagnoses in adults with mental disorder: Developmental follow-back of a prospective-longitudinal cohort*. Archives of General Psychiatry, 60, 709–717.
- Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal, and coping*. New York: Springer.
- Lipps, G., Lowe, G. A., Gibson, R. C., Halliday, S., Morris, A., Clarke, N., & Wilson, R. N. (2012). *Parenting and depressive symptoms among adolescents in four Caribbean societies*. Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health, 6.
- McGrew, L, & Wolfe, C. (2016). *The Nerve: Associations between Perceived Parenting Style and Coping with Stress*. Honors Thesis. Department of psychology. Bellarmine University.
- Neihardt, M. (1999). *The impact of giftedness on psychological well-being: What does the empirical literature say?* Roeper Review, 22(1), 10-17.
- Nijhof, Karin S., Rutger C.M.E. Engels. (2007). *Parenting styles, coping strategies, and*



## 4

## The relationship between perceived parenting styles dimensions and coping styles and their comparison between gifted and normal adolescent girls

Shahla Pakdaman<sup>1</sup>  
Zahra mohamadifard<sup>2</sup>

### Abstract

**Aim:** The aim of the present research was to study the relationship between dimensions of parenting styles and coping style. Since that intelligence, as an important cognitive component, could clarify the use of different styles, this relationship was compared in two groups of gifted and normal students. **Methods:** It was a correlation and Ex post facto research. The community of the study was gifted and normal 14-19 ages females of Tehran. The sample (137 female high school students, 34 gifted and 103 normal) was selected via cluster sampling and completed coping styles and perceived parenting styles questionnaires. Data was analyzed by correlation coefficient, stepwise regression and z-test. **Results:** The results showed that there was a negative relationship between avoidance – flight coping style and warmth dimension of parenting styles in total sample. For gifted students, control dimension of parenting style predicted avoidance-flight coping style reversely and for normal students, control dimension predicted reversely the use of seeking social support coping style. Moreover, warmth dimension of parenting style had a positive relationship with seeking social support coping style in gifted students, and Z-test showed that this relationship significantly different between two groups. **Conclusion:** These results indicated the effect of parenting styles on children's coping styles. This effect maybe different based on children's characteristics like cognitive ability.

**Keywords:** *coping styles, gifted adolescents, Perceived parenting styles*

---

1. Assistant Professor of psychology, Shahid Behashti University, Tehran, Iran. Email: pakdaman.shahla@gmail.com (Corresponding Author)  
2. M. A in General psychology of Shahid Behashti University, Tehran, Iran. Email: z.mohamadifard@gmail.com